





دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبانهای خارجه

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه
عشق انسان به خدا در تفکر ابن عربی و ملاصدرا

فاطمه حاجیلوئی

استاد راهنما
جناب آقای دکتر سید صدرالدین طاهری

استاد مشاور
جناب آقای دکتر امیر نصری

خرداد ۱۳۸۹

تقدیم به ،

روح با عظمت پیامبر عشق و محبت،
رسول رحمت و طهارت حضرت ختمی مرتبت،
محمد مصطفی صلی الله و علیه و آله
و حبیبه اش حضرت زهرا سلام الله علیها

عشق انسان به خدا
در تفکر ابن عربی و ملاصدرا

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان : عشق انسان به خدا در تفکر ابن عربی و ملاصدرا
نویسنده / محقق : فاطمه حاجیلوئی
مترجم : ---
استاد راهنما : دکتر سیدصدرالدین طاهری استاد مشاور / استاد داور : دکتر امیر نصری / دکتر عبدالله نصری
کتابنامه : دارد واژه‌نامه : ندارد
نوع پایان نامه : <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی : ۸۶
محل تحصیل : نام دانشگاه : دانشگاه علامه طباطبائی دانشکده : فلسفه
تعداد صفحات : ۱۵۲ گروه آموزشی : فلسفه
کلید واژه‌ها به زبان فارسی : عشق ، حب ، تجلی ، وحدت وجود ، قطب ، غوث و انسان کامل
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی : Love, Epiphany, Graded unity of being, Leader, Deliverer, Perfect man.

پیشگفتار

این پایان‌نامه در صدد بیان عشق انسان به خدا در نظر عارف عظیم الشان محی الدین عربی و حکیم متاله ملاصدرا می باشد و انتخاب این دو شخصیت به خاطر بزرگی و عظمتی است که این دو در مسیر عشق الهی داشته اند و تاثیرات قابل توجهی هم بر رهپویان این راه هدایت گذاشته اند. محمدبن علی بن محمدبن احمد بن عبدالله حاتم طایی معروف به محی الدین ملقب به شیخ اکبر، ۵۶۰ ه.ق در «مرسیه» از شهرهای اسپانیا به دنیا آمد، در کودکی با خانواده اش به «اشبیلیه» رفت و در این شهر به علوم عصر خود آگاهی یافت و در جوانی به تصوف گرایید و با بسیاری از مشایخ عصر خود دیدار کرد، او از پرکارترین نویسندگان دنیای اسلام است و هیچ نویسنده ای از قبیل کندی، ابن سینا و غزالی در کثرت تالیفات با او برابری نمی کنند، موضوع اصلی رسالات او عرفان و حالات و واردات و تجارب قلبی اوست، او با خلق این آثار، بنیاد نظام فکری را براساس تجارب عرفانی استوار ساخت که هنوز هم محور بینش های عرفانی جهان اسلام است [و از مهمترین آنها می توان به فتوحات مکیه و فصوص الحکم اشاره کرد] او سرانجام در ۶۳۸ ه.ق در دمشق در گذشت (یثربی، (۲) ۱۳۷۷، ۱۷۶).

در مورد ابن عربی تناقض گویی هایی وجود دارد که آیه الله جوادی آملی اینگونه به آن اشاره می کند «داوری های گوناگون پیرامون ابن عربی از زمان شهرتش تاکنون از صاحبان مذاهب و نحله ها فراوان است، هر کسی از ظن خود با او قهر دارد، بعضی او را در بالاترین درجه عصمت می ستایند و برخی او را در حد زنادقه می شناسند» (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۴-۷۳) و شهید مطهری می گوید «محی الدین از عجایب روزگار است، انسانی است شگرف و به همین دلیل، اظهار عقیده های متضادی درباره اش شده، برخی او را ولی کامل و قطب الاقطاب می خوانند و بعضی دیگر تا حد کفرش تنزل می دهند» (مطهری، ۱۳۶۶، ۱۱۴).

این اختلاف نه تنها بر سر مذهب او بلکه در مورد عرفان و مبانی توحیدی ایشان هم بوده است، درست است که ظاهر برخی از مطالب او خلاف عقیده امامیه است ولی بسیاری از بزرگان شیعه علت آن را تقیه می دانند از آن جمله قاضی نورالله شوشتری می گوید «چون در شام تقیه شدید بود و کسی جرات دم زدن از تشیع را نداشت، لهذا شیخ اکبر مجبور بوده است که ولای خود را کتمان کند و کتب خود را بر طریق عامه سیر نماید (آیتی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۴) و بسیاری از بزرگان شیعه همانند ابن فهد حلی، شیخ بهایی، محقق فیض کاشانی، محدث بزرگ محمدتقی مجلسی اول قاضی نورالدین تستری، محدث نیشابوری، محدث سیدجزائری به شیعه بودن او اصرار دارند.

(راعی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱)

علامه طباطبایی می گوید «محمی الدین بسیار به تشیع نزدیک است، اصولاً در صدر اول و زمانهای پیشین، مساله تشیع صورت دیگری داشت و غالباً بزرگان از علما و عرفا در حقیقت شیعه بوده اند ولی ناچار از نقطه نظر ضرورت تقیه می کردند و سعی می کردند که آن حقیقت را بطوری که مصادم با مزاحمت های خارجی نگردد در خود حفظ کنند و لذا باکتمان به شکلی خود را نگه می داشتند و از اشاعه اش مگر به رمز و اشاره خودداری می کردند (طهرانی، بی تا، ص ۲۶۳)

مرحوم سیدعلی قاضی، عارف بزرگ، با صراحت بیان داشته است که محال است کسی به مرحله کمال برسد و حقیقت ولایت بر او مشهود نگردد و اگر وصول به توحید فقط از راه ولایت امکان پذیر است، چرا که ولایت و توحید یکی است، پس باید ابن عربی را شیعه ای ناب دانست و افکاری از او که مطابق با افکار اهل سنت است را باید صرفاً تقیه ای پنداشت، چرا که در باطن شیعه ای ناب بوده است. (راعی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵)

و محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا در سال ۹۷۹ یا ۹۸۰ ه.ق. در شیراز متولد شد و بعد از فوت پدر به اصفهان آمد و علوم نقلی را نزد استادان بزرگی چون شیخ بهایی و

میرداماد تلمذ کرد و خود از اعجوبه های زمان و افتخار حکمای دوران شد، علاقه وافر او به عرفان و اصرار وی در بیان حقایق عرفان به زبان سلیس و ساده موجب شد که جمعی به دشمنی برخاستند و این حکیم فرزانه برای دوری از قیل و قال زمانه، بالغ بر ۷ سال و به قولی ۱۵ سال از عمر خود را در قریه کهک نزدیک قم به سر برده و به تفکرات عمیق و به تهذیب نفس و تزکیه پرداخته است، و اصول و مبانی خویش را در قالب سفرهای چهارگانه در شاهکار جاودانه خود الحکمہ المتعالیہ فی الاسفار الاربعہ بیان کرده است، او با ایجاد وحدت میان مکاشفه عرفانی و قرآن و برهان، مشرب جدیدی تاسیس کرد که نقطه عطفی در تاریخ عرفان و فلسفه محسوب می شود، او سفرهای چهارگانه عرفانی را در قلمرو معرفت و هستی شناسی تعریف کرد، بطوری که در موارد حساس نه تنها مطلب وی مطابق گفته عرفاست، بلکه الفاظ و تعابیر نیز عین تعابیر آنان است، لکن گاهی نام برده می شود و گاهی بی نام نقل می شود، در بیان عرفان نه تنها تشویق به مجاهدت نفس و ترغیب به مکاشفه شده بلکه راه نظر و برهان به عنوان حجاب تلقی شده (اسکندری، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲) در بیان صدرای نیز با برهان صرف حقایق شناخته نمی شود، همانطور که عرفان بدون برهان کافی نیست. (ملاصدرا، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۶۶)

شیوه بحث در منهج فلسفی ملاصدرا که به «حکمت متعالیه» موسوم است، آمیخته ای از روش برهان و عرفان است و از مفاهیم و معارف دینی هم بهره گرفته است و میان حکمت برهانی، عرفانی و ایمانی هماهنگی ایجاد می نماید (اسکندری، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲) او در موارد بسیار با خشوع و خضوع در مقابل ابن عربی سر فرود آورده است و در آثارش او را به صفاتی توصیف کرده که دقت در هر یک از آنها جایگاه ابن عربی را در نظام فکری صدرای نشان می دهد، پاره ای از این توصیفات عبارتند از: شیخ عارف صمدانی ربانی، شیخ ما که خدا از او راضی باد، شیخ عارف متاله، شیخ کامل قدوه المکاشفین، شیخ عارف، سبحانی، شیخ اکبر، شیخ محقق و حتی می توان

گفت غالب آثار ملاصدرا به خصوص الاسفار الاربعه ناظر به مبرهن ساختن حقایقی است که ابن عربی از طریق کشف و شهود بدان دست یافته است، از این رو برخی محققان، کتاب الاسفار الاربعه را به منزله شرحی به فصوص الحکم و فتوحات مکيه ابن عربی دانسته اند (ندری ایبانه، ۱۳۸۶، ص ۳-۴)

با این همه توصیفات از ابن عربی که در جایگاه پدر عرفان نظری قرار دارد و تاثیرات عمیق ملاصدرا از او به خصوص در مقوله عرفان بر آن شدیم تا عشق انسان به خدا را در نظرات این دو جستجو کنیم.

در این مسیر از کتابهای ارزشمند این دو شخصیت عظیم همچون فتوحات مکيه، فصوص الحکم و شروح آن و اسفار اربعه، مفاتیح الغیب و تفاسیر و ... استفاده کرده ایم.

چکیده

نگارنده در این نوشتار با توجه به اهمیت عشق در دین، فلسفه و عرفان اسلامی و نقش کلیدی آن در تربیت انسان، مسئله عشق را در تفکرات پدر عرفان نظری، ابن عربی و حکیم متأله، ملاصدرا که آثار فلسفی اش صبغه عرفانی داشته و بطور خاص متأثر از ابن عربی است می‌پردازد، در این مسیر بعد از بیان معانی لغوی و اصطلاحی عشق و جایگاه آن در قرآن و سنت بر امکان عشق الهی صحه عقلی و نقلی گذاشته می‌شود و بعنوان اصل مهم در تفکر ابن عربی و صدرا در ادامه به بیان مبادی و مولفه ها و مراحل و انواع عشق و آداب آن پرداخته می‌شود و بر نقش عشق مجازی برای رسیدن به عشق الهی تاکید می‌شود و محرمان عشق الهی و انسان کامل که به مراتب بالای عشق الهی رسیده اند بیان می‌شود و به نقش پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله) و ائمه علیهم السلام تاکید می‌شود و در آخر ثمرات عشق الهی در زندگی از تزکیه و تربیت تا ظهور کرامات انسانی بیان می‌شود.

کلمات کلیدی:

عشق، حب، تجلی، وحدت وجود، قطب، غوث و انسان کامل

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱- کلیات و مقدمات	
۱-۱- معنای لغوی عشق	۸
۲-۱- معنای اصطلاحی عشق (عرفانی)	۸
۳-۱- عشق در قرآن و سنت	۱۰
۴-۱- عشق در فلسفه	۱۸
۲- امکان عشق الهی	
۲-۱- موافقت و مخالفت با امکان انتساب عشق به خدا	۲۴
۲-۱-۱- دلایل منکران انتساب عشق به خدا	۲۴
۲-۱-۲- دلایل موافقان انتساب عشق به خدا	۲۷
۲-۲- دلایل ابن عربی و ملاصدرا در امکان انتساب عشق به خدا	
۲-۲-۱- نظر ابن عربی در امکان انتساب عشق به خدا	۳۳
۲-۲-۲- نظر ملاصدرا در امکان انتساب عشق به خدا	۳۷
۳- عشق الهی	
۳-۱- مولفه‌های عشق الهی	۴۳
۳-۱-۱- عشق، موهبتی و ابدی	۴۳
۳-۱-۲- عشق الهی دوسویه است	۴۵
۳-۱-۳- اتحاد عاشق و معشوق	۴۶
۳-۲- مبادی عشق الهی	۵۱
۳-۲-۱- جمال	۵۱
۳-۲-۲- کمال جویی	۵۴
۳-۲-۳- معرفت	۵۷
۳-۲-۴- تجلی معشوق	۶۲
۳-۳- مراحل و انواع عشق	۶۴
۳-۳-۱- مراحل و انواع عشق از نظر ابن عربی	۶۵
۳-۳-۲- مراحل و انواع عشق از نظر ملاصدرا	۶۹
۳-۳-۳- نگاهی دیگر به نظرات ابن عربی و ملاصدرا در تقسیم عشق	۷۲

۷۹	۳-۴- آداب سلوک عشق
۷۹	۳-۴-۱- آداب سلوک عشق از نظر ابن عربی
۸۵	۳-۴-۲- آداب سلوک عشق از نظر ملاصدرا
۸۸	۳-۵- عشق مجازی مرکب عشق الهی
۹۴	۳-۵-۱- خدا معشوق حقیقی تمام عاشقان
۱۰۰	۳-۵-۲- زن منهاج عشق الهی
۱۰۵	۳-۶- محرمان عشق الهی
۱۰۷	۳-۶-۱- انسان کامل
۱۱۰	۳-۶-۲- مصادیق انسان کامل
۱۱۸	۳-۶-۳- عشق به انسان کامل ، عشق به خداست
	۴- ثمرات عشق الهی
۱۲۱	۴-۱- تکامل
۱۲۲	۴-۲- عبادت عاشقانه
۱۲۴	۴-۳- صفات اخلاقی خوب
۱۲۷	۴-۴- کرامات
۱۳۳	۴-۵- فنا و وصال حق
۱۳۹	نتیجه گیری
۱۴۴	فهرست منابع
۱۵۲	چکیده انگلیسی

مقدمه

سپاس و ستایش خداوندی را که با نفس رحمانی خویش، جهان را به عشق آفرید و رابطه عشق و محبت با انسان را ابتدا خود، با دمیدن روح خود در او گشود.

عالم از شور و شرعش خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان غمزه جادوی تو بود (حافظ، بی تا، غزل ۲۱۰، ص ۱۴۲)

مقوله ارتباط انسان با خدا همیشه موضوع مهمی بوده است و می توان گفت طرز نگرش و زندگی و رفتار فرد را تشکیل می دهد، عشق به خدا در وجود انسان در گرانبهایی است که وجود انسان را روشن کرده و او را به حقایق و معارف الهی رهنمون می شود که در این دنیای خاکی بدون عشق قطعاً به آنها نمی توان رسید. در این مجال لازم است از الف- اهمیت این موضوع و انگیزه نویسنده ب- روش بحث ج- پیشینه بحث و د- طرح بحث سخن بگوییم.

الف- اهمیت موضوع و انگیزه نویسنده

اهمیت عشق در دین اسلام:

از نگاه اسلام، دین، عین محبت معرفی شده است چنانکه امام صادق (علیه السلام) می فرماید «هل الدین الا الحب» (کلینی، بی تا، ج ۸، ص ۸۰) یعنی دینداری تنها در قالب محبت معنا و تحقق پیدا می کند گرچه واژه عشق در قرآن بکار نرفته و کلمه «حب» در آن بکار برده شده است و فقط در پاره ای روایات از کلمه «عشق» استفاده شده است ولی همان ، نشان دهنده جایگاه والای عشق در متون دینی دارد، آنجا که پیغمبر ختمی مرتبت (صلی الله علیه و اله) می فرماید «افضل الناس من عشق العباده...» (ری شهری، ۱۳۶۹، ص ۱۳۷۸) بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و یا در آن نقل معروف که امیرمؤمنان علی علیه السلام هنگام بازگشت از صفین هنگام عبور از

زمین کربلا آنجا را زمین عشاق خواندند و با اشاره به ماجرای کربلا یاران باوفای امام حسین علیه السلام را عشاق معرفی فرمودند (راسخی، ۱۳۸۵، ص ۵۵) و روایات دیگر که در جای خود خواهد آمد و نشان دهنده جایگاه والای عشق در دین اسلام است.

اهمیت عشق در عرفان و فلسفه اسلامی

عشق در عرفان نظری و عملی جایگاه مهم و رفیعی دارد و از محوری ترین مفهوم معرفت شناختی عرفان است زیرا عشق هم بعنوان روش و هم طریقت برای سلوک عارفان بوده است و بسیاری از اهل معرفت و عرفان مراحل و منازل قرب الهی را طبق عشق و جذبه محبوب الهی پیموده اند و در این باره سخنها دارند که در فصل عشق در عرفان به آنها اشاره شده است.

در فلسفه اسلامی، همچون عرفان، عشق در همه موجودات سریان دارد و در کتب فلسفی متمایل به عرفان مثل اسفار ملاصدرا به این امر تاکید شده و در اسفار بابی تحت عنوان «فی سریان العشق فی جمیع الموجودات» وجود دارد یعنی معتقدند که عشق حقیقی در تمام ذرات وجود جریان دارد آنچنانکه مطهری می گوید «در این هوا عشق است، در آن سنگ هم عشق هست، در آن ذرات اتمی هم عشق هست و اصلا حقیقت، عشق است و آنچه غیر از عشق می بینی مجازی است، بر روی این حقیقت مولوی می گوید:

عشق بحری، آسمان بر روی کفی چون زلیخا در هوای یوسفی

عشق یک دریاست، همه آسمانها و زمین و همه عالم طبیعت از نظر عارف به منزله کفی است بر روی یک دریا که آن دریا «عشق» است. (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۴۷)

و در این میان انسان به دلیل جامعیت وجودی و ویژگی های ممتاز خدادادی و مقام خلیفه الهی، گوی سبقت را در عشق به خدا از سایر موجودات ربوده است و اوست که می تواند به عشق جامع

و کامل به عبارتی عشق حقیقی دست یابد.

انگیزه نویسنده:

اهل معرفت و سلوک بر این باورند که مکتب تربیتی مبتنی بر عشق و محبت نسبت به مکاتب فلسفی و اخلاقی و تربیتی دیگر بسیار کارآمدتر و موثرتر است، در واقع عشق، مکتب تربیت انسان است و بر تمام شئون وجودی او اثر می گذارد و او را با سوق دادن بسوی مشابهت با معشوق تصفیه و پاک می کند، بنابراین عشق نه تنها یک مکتب معرفتی عمیق است و یک سلوک عملی رفتاری را به اهل ادب و سلوک می آموزد، درمانگر بیماری های روحی انسان نیز هست، و این راهی است که خدا خود برای تربیت بندگان زبده خود گشوده است که «یحبههم و یحبونه» (مائده (۵)، (۵۴) دوستشان دارم و دوستم دارند و ثمره این عشق در نهایت عبودیت محض الهی است که علت خلقت انسان است.

از طرف دیگر تفکرات و تبلیغات برخی مدعیان تازه از راه رسیده عشق است که چیزی از آن نمی دانند و عشقی همراه با شبهات و شهوات را تبلیغ می کنند و به تحریف معنوی ساحت عشق می پردازند و گاه حتی آن را از دامن شرع بیرون آورده به بیراهه برده اند، حال آنکه در مکتب دین، فلسفه و عرفان ما عشق معنای بلندی دارد که جز خدا و مکتب صحیح اسلام مأمونی ندارد. این دلایل، نویسنده را بر آن داشت که به بیان عشق الهی در فلسفه و عرفان اسلامی با نمایندگی ابن عربی که پدر عرفان نظری است و ملاصدرا که سرآمد فلاسفه متاله است، پردازد.

ب- روش بحث و سوالات تحقیق

در این پایان نامه برآنیم که به این سوالات پاسخ گوئیم:

۱- ماهیت عشق چیست؟ چه ویژگی‌ها و مولفه‌هایی دارد؟

۲- مبادی عشق چیست، چه چیزی باعث عشق ورزی است؟

۳- آیا عشق ورزی به خداوند باری تعالی امکان دارد؟

۴- انواع و اقسام عشق چیست؟

۵- تفاوت عشق زمینی و آسمانی چیست، آیا راهی از عشق مجازی به عشق حقیقی هست؟

۶- بزرگان این راه به عبارتی محرمان عشق الهی چه کسانی هستند؟

۷- اثرات این عشق در زندگی چیست؟

نگارنده سعی کرده است با ذکر راوی گونه کلمات و سخنان ابن عربی و ملاصدرا و شارحان آنها، در هر موضوع، بحث را از نظر این دو بزرگوار بیان نماید و با ارائه نظرات این دو در کنار هم، نزدیکی نظرات صدرا به ابن عربی در مباحث عرفانی را نشان دهد.

روش گردآوری اطلاعات، رجوع کتابخانه‌ای و فیش نویسی بوده است و سعی به این بوده است که مطالب گردآوری شده از منابع دسته اول ابن عربی و صدرا باشد و تلاش شده است که مباحث مربوط به محبت و عشق از تمام آثار ایشان جمع آوری شود و بصورت موضوع بندی شده ارائه شود. بطور اهم این مباحث در ج ۷ اسفار صدرا و در فصل مقام محبت فتوحات ابن عربی جای دارد و در سایر مجلات اسفار و دیگر آثار صدرا و فصوص الحکم ابن عربی و دیگر کتب او مطالبی بوده که مورد استفاده قرار گرفته است.

ج- پیشینه بحث

از عشق بسیار گفته اند و در عرفان، فلسفه، متون دینی و حتی ادبیات، آثار فراوانی وجود دارد و گویا قدمتی در طول تفکر بشر دارد، در فلسفه از افلاطون و فلوطین تقسیمات و تعاریفی از عشق

وجود دارد تا ابن سینا و سهروردی که رساله ای خاص در این باره دارند و صدرا که بطور خاص به این بحث می پردازد در عرفان هم رابعه عدویه، احمد غزالی، عین القضاة همدانی ابن عربی، مولوی، حافظ و هر کدام از عشق سخنها دارند و هر کدام بگونه ای راز و رمز عشق را بیان کرده اند.

در این زمینه کارهای پژوهشی فراوانی انجام شده است و مقالات و پایان نامه هایی نیز موجود می باشد که به مسئله عشق از جنبه های مختلف پرداخته اند ولی کارهایی که عمدتاً در حوزه فلسفی انجام شده اند بیشتر عشق را در تمام موجودات، عشق در قوای حیوانی و نباتی و حتی در صوره و عرض و ... پرداخته اند و بطور خاص و دقیق به عشق انسان به خدا پرداخته بودند و آثار عشق در زندگی عملی انسان را بیان نکرده بودند. پایان نامه های مرتبطی مثل «فلسفه عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا» از محمد حسین خلیلی و «عشق در حکمت متعالیه» از محمد نجاتی که عشق را در کل و نه در خاص انسان بررسی کرده اند «عشق در ترجمان الاشواق ابن عربی» از محمد علیمیرزایی و کارهایی از این دست که بالاخره یا در حوزه عرفان اند یا در حوزه فلسفه و امتیاز این کار شاید این باشد که عشق را در نظرات ابن عربی که یک شخصیت کاملاً عرفانی است و صدرا که وجهه فلسفی با صبغه عرفانی دارد و بطور خاص متأثر از ابن عربی است، آنهم در قسمت اوج داستان عشق، یعنی در انسان به نمایش می گذارد.

اینجا لازم است ذکر شود که در استفاده از فتوحات و اسفار از ترجمه خوب محمدخواجهوی استفاده شده است.

د- طرح بحث

در این پایان نامه ابتدا واژه عشق در لغت و اصطلاح عرفان و فلسفه و در قرآن و سنت بیان می شود و بعد امکان عشق الهی مورد بررسی قرار می گیرد و دلایل منکران امکان عشق الهی و

موافقان آورده می شود و با دلایلی عشق به خدا مورد تایید عقلی و نقلی قرار می گیرد که در ابن عربی و ملاصدرا بعنوان شاکله اصلی در آثارشان وجود دارد، در ادامه مولفه ها و مبادی و مراحل و انواع عشق الهی و آداب آن بیان می شود که در منظر این دو عالم پرآوازه در مراحل عشق از عشق طبیعی و مجازی به عشق الهی و خدا می توان رسید و عشق مجازی مرکب عشق الهی است و در واقع تمام عشق ها و محبتها از آن او و به او بر می گردد و در این میان به نقش زن که مجموعه لطیف تری از زیبایی در خلقت و آینه الهی است، در عشق مجازی توجه ویژه ای می شود و در ادامه محرمان عشق الهی معرفی می شوند و نقش انسان کامل و قطب و غوث بخصوص پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) بیان می شود و تاکید می شود که عشق به آنان عشق به خدا و به خاطر خداست و در آخر ثمرات عشق الهی در زندگی انسان از تزکیه و تربیت تا ظهور کرامات بیان می شود. امید است که آن معشوق حقیقی عالمیان، ما را در طی این مرحله یاری فرماید.

رجب المرجب ۱۴۳۱ ه.ق

بخش اول

کلیات و مقدمات

معنای لغوی عشق

عشق افراط در محبت است و آن دوست داشتن شدید از سوی محب است و مأخوذ از گیاهی به نام عشقه است که به درخت چسبیده و آن را خشک می کنند (ابن منظور، ۲۰۰۰ م، ج ۱۰، ص ۱۶۱) و باز گفته اند تجاوز از حد در محبت را عشق گویند و میل شدید نفس به محبوب است (طریحی، بی تا، ج ۵-۶، ص ۲۱۵) آنگونه که تاب و توان و قرار از محب می برد. علامه دهخدا مضمون عشق را اینگونه بیان می کند «عشقه نباتی است مثل لبلاب و بسیار کم برگ و شاخه های آن بغایت از لبلاب قوی تر و درازتر است که به هر درختی بیچد، خشک کند، لهذا عشق مشتق از اوست» (دهخدا، ۱۳۱۴، ج ۳۴، ص ۲۷۰) دکتر معین هم عشق را از عشقه و عشقه را گیاهی بالا رونده از تیره عشقه ها می داند (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۳۰۴) با تفحص در دیگر کتب لغت و صاحب نظران می توان فهمید که عموم آنها در تعریف لغوی عشق، به محبت تام، دوستی مفرط و شوق و میل مفرط به چیزی اتفاق نظر دارند (سید جوادی و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۲۸۹). از تعریف عشق به محبت تام بی جا نیست در تبیین ریشه محبت دسته بندی دیلمی (قرن ۴) از اقوال بزرگان در ریشه محبت را بیاوریم، که اینگونه دسته بندی کرده است ۱- حُبّ از حَبّ گرفته شده و آن جمع حَبّه است و حَبّه القلب آن چیزی است که قلب به آن قوام دارد ۲- ممکن است مأخوذ از حب (به کسر حاء) باشد و منظور بذره های صحرايي است، حُبّ، حَبّ نامیده می شود زیرا مغز و لباب و حیات است ۳- اصل کلمه حب است و آن چهار چوبی است که زیر کوزه آب قرار می دهند (دیلمی، بی تا، ص ۱۷-۱۴) دیلمی هر چند عشق را قلیان محبت و غایت محبت می داند، معتقد است عشق و محبت دو لفظ برای یک معنای واحدند «هما اسمان لمعنی واحد» (ص ۶).